

بررسی رابطه جنس و نقش جنسیتی با میزان تاب‌آوری

حمدالله حبیبی* ✉ و ماریا فاطمی**

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه جنس و نقش جنسیتی با میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های شهرستان سقز انجام شد. روش پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های شهرستان سقز بودند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ حدوداً از ۴۰۷۵ نفر، نمونه آماری پژوهش ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه نقش جنسیتی «بم» و مقیاس تاب‌آوری «کونور و دیویدسون» استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها آمار توصیفی و آمار استنباطی از قبیل میانگین، انحراف معیار، تحلیل واریانس دو طرفه به کار برده شد. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه مربوط به رابطه جنسیت و تاب‌آوری رد شد، تفاوت در نقش جنسیتی موجب تفاوت در میزان تاب‌آوری می‌شود، در واقع آندروژن بودن، بدون توجه به جنسیت بر تاب‌آوری مؤثر است. همچنین یافته‌ها نشان دادند که فرضیه سوم مبنی بر تعامل جنس و نقش جنسیتی در میزان تاب‌آوری رد شد.

کلید واژه‌ها:

نقش جنسیتی؛ تاب‌آوری؛ جنسیت؛ دانش‌آموزان؛ شهر سقز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

«جنس»^۱ می‌تواند با جنبه‌های زیستی و روانی فرد مرتبط باشد که به صورت اعضای جنسی و ویژگی‌های جنسی از آن نام می‌برند. ولی «جنسیت» بر اساس الگوهای تفکر، احساس، رفتار و فرهنگ شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد، واژه جنسیت نسبت به واژه جنس گسترده‌تر و مفهومی کلی‌تر است، که به خصوصیات روان‌شناختی و اجتماعی گروه‌های ایجاد شده در اجتماع و فرهنگ انسانی اشاره دارد (ماتلین^۲، ۲۰۰۰، ارچر و لوید^۳، ۲۰۰۲، وودهیل، ساموئلز^۴ ۲۰۰۳، به نقل از ستمیر^۵، ۲۰۰۷). در بحث جنسیت و نحوه شکل‌گیری آن نظریه‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه روانکاوی^۶ فروید اشاره کرد. مرحله سوم رشد «روانی - جنسی» فروید، یعنی مرحله «ادیپی»^۷، از دیدگاه نظریه‌پردازان رشد جنسیت و نقش جنسیتی اهمیت فراوانی دارد، چرا که در این مرحله هویت جنسی شکل می‌گیرد. به نظر فروید، به موازات افزایش سن، دختر و پسر نهایتاً این تضاد را از طریق همانندسازی با والد هم جنس خود حل می‌کنند و برای اینکه شبیه والد هم جنس خود شوند، رفتارها، نگرش‌ها و خصوصیات شخصیتی او را الگو قرار می‌دهند. به این ترتیب مطابق دیدگاه روانکاوی، فرایند شکل‌گیری هویت جنسی و نقش جنسیتی با کشف تفاوت‌های تناسلی بین دو جنس آغاز شده و با همانندسازی کودک با والد هم جنس پایان می‌پذیرد (اتکینسون^۸ و همکاران، ترجمه براهنی و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۱۸۵). مرحله تناسلی^۹ یا نوجوانی، آخرین مرحله رشد در نظریه فروید است. در این مرحله، نوجوان سعی می‌کند که عشق به والد جنس مخالف را به دختر یا پسر در بیرون از خانه انتقال دهد و از این طریق در پی استقلال‌خواهی و دسترسی به هدف خود، از والدین خود دوری کرده و تنها زمانی در

-
1. sex
 2. Matlin
 3. Archer & Lloyd
 4. Woodhill & Samuels
 5. Setmire
 6. psychoanalytic theory
 7. oedipus
 8. Atkinson
 9. Phalli'

آرامش است که از آن‌ها دور باشد. این مرحله در شکل‌گیری نقش جنسیتی اهمیت دارد، اما فروید درباره این مهم زیاد اظهار نظر نکرده است (کرین، ترجمه فدایی، ۱۳۷۹). «یادگیری اجتماعی»^۱، نظریه دیگری است در بحث نقش جنسیتی که مبتنی بر یادگیری انسان از طریق مشاهده انسان‌های دیگر است، این نظریه ریشه در عقاید اندیشمندان یونان باستان از جمله افلاطون و ارسطو دارد. طبق این نظریه، والدین به رفتارهای جنسیتی مناسب و نامناسب به شیوه متفاوت پاداش داده یا تنبیه می‌کنند و در عین حال نخستین سرمشق‌های رفتار زنانه و مردانه برای کودکان محسوب می‌شوند (اتکینسون و همکاران، ترجمه براهنی و دیگران، ۱۳۷۹). «نظریه طرحواره جنسیتی»^۲ نیز در این زمینه بیان می‌کند که یک ساختارشناختی یا شبکه‌ای از تداعی‌ها، ادراک فرد را در رابطه با رفتارهای جنسیتی سازمان داده و هدایت می‌کند. در واقع رفتار فرد به وسیله انگیزش درونی او برای هم‌نوایی با معیارها و تصورات قالبی فرهنگی مبتنی بر جنسیت هدایت می‌شود. فرهنگ و اجتماع به کودکان می‌آموزد، که تمایز بین رفتار بیرونی مرد و زن در اجتماع در خور اهمیت است (بیایانگرد، ۱۳۸۴). «نظریه زیست‌شناختی»^۳ هم در این زمینه بیان می‌کند که کروموزوم‌های زن و مرد (xx) و (xy)، نقطه شروع تفاوت‌های جنسیتی بین دو جنس هستند. تعدادی از عوامل حیاتی اثرگذار بر ترجیح نهایی فرد برای نقش مردانه یا زنانه وجود دارند. فرایندهای تبدیل نوزاد به مردان و زنان بزرگسال و حوادث حیاتی بیولوژیکی هر دوره در فرایند تفاوت‌های جنسی تعیین‌کننده هستند (سیگل‌من و شافر^۴، ۲۰۰۳، فلمینگ و لدوگار^۵، ۲۰۰۸).

مردانگی و زنانگی به یک مجموعه از خصوصیات اشاره دارد که اساساً با هر یک از جنس‌ها تداعی می‌شود و باعث ایجاد تفاوت از جنسی به جنس دیگر می‌شود. به طور سنتی، زنانگی و مردانگی به عنوان دو قطب مخالف و حوزه‌های مناسب یک جنس تلقی می‌شوند. ولی حضور هر دو صفت در یک جنس جزء دیدگاه جایگزین است و مردانگی و زنانگی را

-
1. social learning
 2. gender schema theory
 3. biological theory
 4. Sigelman & Shaffer
 5. Fleming & Ledogar

همراه با هم می‌آورد، که با عنوان «آندروژنی»^۱ شناخته می‌شود (کوک^۲، ۲۰۰۰). در واقع فردی که دارای نگرش و رفتار اجتماع‌پسند زنانه و مردانه با هم باشد، دو جنسیتی «آندروژنی» گفته می‌شود. اساساً واژه آندروژنی یونانی است و از دو بخش «آندرو» یعنی مرد و «ژنی» یعنی زن تشکیل می‌شود که همان معنای دو جنسیتی را در خود دارد (گولومبوک^۳، ترجمه شهرآرای، ۱۳۸۴).

«جانک» معتقد است که ترکیبی از مردانگی و زنانگی در درون هر کسی به طور فطری وجود دارد و همین امر اساس شخصیت یکپارچه است. همچنین متخصصان نقش جنسیتی بر این عقیده‌اند که آندروژنی به قبول هر دو صفات مردانه و زنانه توسط یک شخص گفته می‌شود (کوک، ۲۰۰۰؛ هارتمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ شولتز^۴ و سیدنی، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷). برای مثال «بم»^۵ (۱۹۷۴) بیان می‌کند که آندروژنی به معنی داشتن انعطاف در گرفتن رفتارهای مردانه یا زنانه به تناسب موقعیت است. یعنی شخص هم می‌تواند خشن باشد، هم مشارکتی و هم به نیازهای دیگران حساس باشد. این انعطاف‌پذیری رفتاری، از این امر حکایت دارد که افراد دارای توازن خصوصیات مردانه و زنانه، از امتیاز وسیع روان‌شناختی بهره‌مند هستند. یک شخص آندروژن، از محدودیت استانداردهای مناسب جنسیتی رها است و به طور نظری قادر است که اولاً از لحاظ روانی خوب رشد کند، دوماً به طور سازگارانه به طیف وسیعی از موقعیت‌ها پاسخ دهد و سرانجام بر فشارهای ناشی از نقش سنتی جنسیتی غلبه کند (به نقل از کوک، ۲۰۰۰).

کاگن^۶ (۱۹۶۴) و کلبرگ (۱۹۶۶) با توجه به پژوهش‌های انجام شده به این نتیجه رسیدند که افرادی با هویت جنسیتی وابسته به جنس (غیر آندروژنی‌ها)، انگیزه بیشتری برای حفظ یکپارچگی رفتاریشان با استانداردهای درونی شده با نقش جنسی خود دارند، در مقابل آندروژنی‌ها کسانی هستند که این خصوصیات را ندارند و آزادانه بین رفتارهای مردانگی و

-
1. Androgyny
 2. Cook
 3. Golombok
 4. Shultz
 5. Bem
 6. Kagan

زنانگی حرکت و کسب تجربه می‌کنند (به نقل از بم، ۱۹۷۴).

درباره خصوصیات و رفتارهای افراد آندروژنی و غیر آندروژنی پژوهش‌های زیادی انجام شده است. افراد آندروژنی نسبت به اشخاص دیگر در زمینه انعطاف‌پذیری و سلامت روان، مزایای بیشتری کسب می‌کنند، زیرا افراد آندروژنی دارای آرامش بیشتر و در فعالیت‌های مختلف شایسته‌تر و کارآمدتر عمل می‌کنند (باکن^۱، ۱۹۶۶ و بم، ۱۹۷۹، به نقل از ستمیر، ۲۰۰۷). همچنین بر اساس پژوهش‌های انجام شده مشخص شده است که افراد آندروژنی از انعطاف‌پذیری، محبوبیت اجتماعی و سلامت روان (آلدورا^۲، ۲۰۰۸)، اعتماد به نفس بالا (خدابخشی کولایی، ۱۳۸۱)، سازگاری در زندگی زناشویی (ماریلین^۳، ۲۰۰۸)، و خلاقیت (چاد^۴، ۲۰۰۷؛ نورلاندر^۵ و همکاران، ۲۰۰۰؛ عباس زاده، ۱۳۸۵)، بیش‌تری بهره‌مند هستند. همچنین افراد آندروژنی هویت کامل‌تری دارند و در ارتباطات اجتماعی و روابط عاشقانه انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. کودکان با داشتن حتی یک والد آندروژنی از احساس صمیمیت، حمایت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و رشد «خود ادراکی» بالایی بهره‌مند هستند (کیمی^۶، ۲۰۱۴).

البته کسانی مانند کلبرگ (۲۰۰۰)، اسپنس و بکنر (۱۹۹۵)، بیلی و زوکر (۱۹۹۵)، برنند و هلر (۲۰۰۱) اظهار داشته‌اند که افراد خودشان را سازگار با جنسیت ادراک شده خود ارزیابی می‌کنند و اگر این ارزیابی با هنجارهای اجتماعی یا نقش جنسیتی آن‌ها سازگار نباشد دچار اضطراب، افسردگی، ناامیدی، عدم آرامش و همچنین طرد شدن از طرف اجتماع می‌شوند (به نقل از ستمیر، ۲۰۰۷). همچنین در نقطه مقابل افراد غیر آندروژنی در قالب‌های جنسیتی دارای کمال‌گرایی بیش‌تری هستند و همچنین آن‌ها در درون افکار خود، باورهای غیر منطقی‌تری دارند که این امر در میان دختران نمود بیش‌تری دارد (عیسی‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲).

-
1. Bakan
 2. Aldora
 3. Marilyn
 4. Chad
 5. Norlander
 6. Kimhi

اگر چه تصورات مثبت از آندروژنی توسط بیش‌تر صاحب‌نظران مورد قبول است، اما این امر بیش‌تر یک ایده‌آل به نظر می‌رسد. در برخی از موارد، یکسانی و هم‌رنگی در ویژگی‌های مخصوص جنسیتی، شاخصی از بهنجاری فردی به حساب می‌آید و به عنوان ایده‌آل و مطلوب از آن نام می‌برند (اسپنس و هلمریچ^۱، ۱۹۷۸، به نقل از ستمیر، ۲۰۰۷). حتی در این شرایط، آندروژنی، انحراف از هنجارهای مخصوص جنسیت است، و به عنوان ناهنجاری و ناسازگاری شناخته می‌شود که این امر به فرهنگ و موقعیت فرهنگی و اجتماعی هم بستگی دارد (اس. کلس ایلس^۲، ۲۰۰۸؛ براون و تایلکا^۳، ۲۰۱۱)؛ زیرا فعالیت‌های فرهنگی افراد در جو فرهنگی خاص می‌تواند در ساخت طرحواره‌های جنسیتی تأثیر بگذارد. برای مثال خمسه (۱۳۸۶) در تحقیق خود تفاوت در نقش‌های جنسیتی را در دو گروه قومی کرد و فارس بررسی و در بخشی از نتایج بیان کرده است که بین دانشجویان پسر کرد و فارس از لحاظ نقش‌های جنسیتی چهارگانه (زنانگی، مردانگی، دو جنسیتی و نامتمایز) تفاوت معناداری وجود دارد.

جنبه دیگری از ویژگی شخصیتی که رابطه نزدیکی با سلامت روان و ارتقای کیفیت زندگی دارد، «تاب‌آوری»^۴ است. مطالعات پیشرفته در زمینه تاب‌آوری بیش‌تر در میان روان‌شناسان و روان‌پزشکان آغاز شده است. کارهای اولیه در زمینه تاب‌آوری بیش‌تر در ارتباط با فرد بوده است. اما بیش‌تر تحقیقات اخیر به تاب‌آوری به عنوان یک مشخصه برای کل اجتماع توجه دارد. تاب‌آوری به عنوان میزان توانایی افراد در سازگاری با تغییرات محیطی است که نوعی تجدید دوباره توانایی در برابر حوادث ناگوار تلقی می‌شود (هریمان^۵، ۱۹۵۸؛ داروین^۶، ۱۸۹۸؛ سیچت و کوهن^۷، ۱۹۹۵، به نقل از اولسن^۸ و همکاران، ۲۰۰۳؛ لادر و همکاران، ۲۰۰۰، به نقل از کیانی دهکردی^۹، ۱۳۸۳؛ ابولقاسمی و کیامرثی، ۱۳۸۵). همچنین تاب‌آوری را رشد نرمال تحت شرایط سخت تعریف کرده‌اند (فونجی، استیل، هیگیت، و

-
1. Spence & Helmreich
 2. S. Clauss – Ehlers
 3. Brown & Tylka
 4. Resilience
 5. Harriman
 6. Darwin
 7. Cicchetti & Cohen
 8. Olsson

تاجت، ۱۹۹۴ به نقل از اولسن و همکاران، ۲۰۰۳). تاب‌آوری نوعی مصون‌سازی در برابر مشکلات روانی اجتماعی است و کارکرد مثبت زندگی را افزایش می‌دهد (آنتونوسکی، ۱۹۷۹؛ ورنر و اسمیت، ۱۹۹۲، به نقل از بل^۱ ۲۰۰۱). در واقع تاب‌آوری نوعی جهت‌گیری خوش‌بینانه برای داشتن جهانی با سبک‌اندامی مثبت است (یعنی دستیابی به موفقیت‌های پایدار، فراگیر و شخصی و شکست‌های موقت، خاص و بیرونی) (ویلیامز^۲، ۲۰۰۸).

بترل^۳ (۲۰۰۸) که چگونگی تأثیر شرایط اجتماعی ناسالم و مکان زندگی بر تاب‌آوری را بررسی کرده است، به این نتیجه دست یافت که حمایت اجتماعی به‌رغم وجود کاستی‌ها و ناملازمات در سطح گسترده موجب ارتقای سلامت روان می‌شود. همچنین هاشمی و جوکار (۱۳۹۲) بیان می‌کنند که دلبستگی در سنین پایین‌تر به خانواده و در سنین نوجوانی به همسالان می‌تواند تأثیر مشخص‌تری در میزان تاب‌آوری داشته باشد.

تاب‌آوری تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد از جمله عواملی مانند سن و جنس و قومیت در میزان تاب‌آوری تأثیر دارند. اس. کلس ایلرس (۲۰۰۸)، تأثیرات بالقوه فرهنگی مانند هویت قومی و هویت جنسی را در گروه‌های نژادی مختلف بررسی کرده است؛ نتیجه پژوهش او نشان داد که داشتن هویت قومی سفیدپوست و هویت جنسیتی آندروژنی بیش‌ترین تأثیر را در تاب‌آوری دارد. همچنین گیل اسپ^۴ و همکاران (۲۰۰۷)، ارتباط تاب‌آوری با عوامل مختلفی از جمله ادراک شایستگی، همکاری، کنترل، خودکارآمدی، امیدواری، سازگاری، سن، تجارب، آموزش و یادگیری را بررسی کردند که ممکن است به رشد تاب‌آوری کمک کنند. نتایج نشان داد که پنج مورد از متغیرها (امیدواری، خودکارآمدی، سازگاری، کنترل و شایستگی) با تاب‌آوری ارتباط معناداری دارد. لفروم بیز^۵ (۲۰۰۶)، نیز عوامل پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری مانند محبت مادرانه، حمایت اجتماعی و فرهنگ را در افراد در معرض خطر بالا، بررسی و مطالعه کرده است. نتایج پژوهش او نشان داد که ارتباط معناداری بین محل زندگی و تاب‌آوری وجود دارد. همچنین تکالیف مدرسه، خود-کارایی و انجام‌دادن فعالیت‌های مهم

-
1. Bell
 2. Williams
 3. Bottrel
 5. Gillespie
 6. Lafromboise

می‌تواند در تاب‌آوری دانش‌آموزان تأثیر داشته باشند (جونز و لافلینیر^۱، ۲۰۱۴).
کانینگهام و سونسون^۲ (۲۰۱۰) با بررسی ۲۰۶ دانش‌آموز آمریکایی، آفریقایی تبار، دریافتند که آن‌هایی که تاب‌آوری بالاتری دارند، از عزت نفس بالاتر، وابستگی خانوادگی قوی‌تر و حمایت اجتماعی و «نظارت والدین»^۳ زیادتری بهره‌مند بوده‌اند.
کشتکاران (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود به تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر میزان تاب‌آوری دانشجویان اشاره کرده است.
کشاوری و یوسفی (۱۳۹۱) دریافتند هوش عاطفی و هوش معنوی می‌توانند به طور کلی ابعاد تاب‌آوری را پیش‌بینی کنند.

از طرف دیگر ابوالقاسمی (۱۳۹۰) در نتیجه پژوهش خود بیان می‌کند که افراد دارای تاب‌آوری بالاتر، استرس کم‌تری را تجربه خواهند کرد و میزان رضایت از زندگی آن‌ها بالاتر خواهد بود.

با توجه به تأثیر ویژگی‌های فرهنگی بر ویژگی‌های شخصیتی، می‌توان بیان کرد که تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند برخی از ویژگی‌های شخصیتی را تغییر دهد، لذا با عنایت به مباحث طرح شده، هدف کلی در این پژوهش بررسی جنس، نقش جنسیتی و میزان تاب‌آوری و تعامل متغیرهای مذکور در میان دانش‌آموزان شهرستان سقز است و بررسی اینکه آیا تعامل جنس و جنسیت می‌تواند در میزان تاب‌آوری نقشی داشته باشد. در راستای اهداف فوق، فرضیه‌های زیر بررسی شد:

- میزان تاب‌آوری بر اساس جنس متفاوت است.
- میزان تاب‌آوری بر اساس نقش جنسیتی متفاوت است.
- میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر و پسر بر اساس نقش جنسیتی متفاوت است.

روش

نوع روش این پژوهش علی مقایسه‌ای یا پس‌رویدادی بود که در آن پژوهش‌گر به دنبال

1. Jones & Lafreniere
2. Cunningham & Swanson
3. parental monitoring

کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوع رفتاری که قبلاً وجود داشته یا رخ داده، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آن‌ها، است. در این روش اطلاعات لازم برای بررسی علل وقوع یک حادثه هنگامی جمع‌آوری می‌شود که آن حادثه رخ داده است و بنابراین، پژوهش‌گر هیچ‌گونه دخالتی در بروز آن حادثه نداشته است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۷).

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی شهرستان سقز در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ بود که جمعاً ۴۰۷۵ (۱۸۲۰ دختر و ۲۲۵۵ پسر) بودند. دامنه سنی نمونه در این پژوهش از ۱۴ تا ۱۶ سال بود. پراکندگی سنی آزمودنی‌ها از ۱۴ تا ۱۶ سال به دلیل افت برخی از آن‌ها در سال‌های راهنمایی است.

از میان جامعه آماری تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر). انتخاب ۲۰۰ نفر نمونه به این دلیل است که چون پراکندگی افراد در زمینه نقش‌های جنسیتی تا حدودی زیاد است و پرسشنامه نقش جنسیتی افراد را در زیر گروه‌های (آندروژنی، زنانگی، مردانگی و نیمه مردانه و نیمه زنانه) قرار می‌دهد. بنابراین، برای دستیابی به نتیجه‌ای قابل قبول تعداد نمونه ۲۰۰ نفر انتخاب شدند.

شایان ذکر است که انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. به این صورت که از میان دبیرستان‌های شهرستان، یک سوم به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس در دبیرستان‌های منتخب چند کلاس به صورت تصادفی انتخاب شده و تعداد متناسب از دانش‌آموزان انتخاب شدند.

در این پژوهش از دو پرسشنامه «نقش جنسیتی بم»^۱ و «مقیاس تاب‌آوری»^۲ استفاده شد:

پرسشنامه نقش جنسیتی بم: این پرسشنامه را بم^۳ در سال ۱۹۷۴ ساخته است. نسخه نهایی این پرسشنامه که استفاده شده است، شامل سه دسته واژه بیست‌تایی است. یک گروه بیست واژه‌ای ویژگی‌های مردانه، یک گروه بیست واژه‌ای ویژگی‌های زنانه و یک گروه بیست واژه‌ای ویژگی‌های خنثی از نظر جنسیتی، مجموعاً ۶۰ واژه، سوالات این آزمون را تشکیل می‌دهند. آزمودنی بایستی هر یک از ماده‌ها را خوانده و آن را درباره خود بر اساس یک مقیاس

-
1. Sem Sex. Role Inventory(BSRI)
 2. Konnor. Davidson Resilience Scale(KD. RIS)
 3. Sandra Lipsitz Bem

هفت درجه‌ای (لیکرت) به شرح زیر نمره‌گذاری کند. (۱- هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست، ۲- معمولاً درست نیست، ۳- بعضی اوقات، اما نه همیشه درست است، ۴- گاه‌گاهی درست است، ۵- اغلب اوقات درست است، ۶- معمولاً درست است، ۷- همیشه یا تقریباً همیشه درست است).

افرادی که در این پرسشنامه از مقیاس مردانگی نمره بالا و از مقیاس زنانگی نمره پایین می‌گیرند، دارای نقش جنسیتی مردانه محسوب می‌شوند. افرادی که از مقیاس مردانه نمره پایین و از مقیاس زنانه نمره بالا می‌گیرند، دارای نقش جنسیتی زنانه به حساب می‌آیند. همچنین کسانی که از هر دو مقیاس مردانه و زنانه نمره بالا می‌گیرند، به عنوان دو جنسیتی یا آندروژنی طبقه‌بندی می‌شوند. شایان ذکر است که در اثر اجرای این تست افراد به پنج دسته تقسیم می‌شوند که شامل (کاملاً مردانه، نزدیک مردانه، آندروژن، نزدیک زنانه، کاملاً زنانه) هستند. در این پژوهش بیش‌تر به گروه آندروژنی به عنوان متغیر اصلی توجه شد، اما برای دستیابی به نتایج بهتر گروه‌های دیگر نیز با عنوان مردانگی و زنانگی (غیر آندروژنی) وارد فرایند تجزیه و تحلیل شدند. بم، میزان پایایی را با استفاده از روش بازآزمایی برای مقیاس مردانه (۰/۹۰)، برای مقیاس زنانه (۰/۹۰)، برای مقیاس آندروژنی (۰/۹۳) گزارش کرده است؛ در این پژوهش میزان پایایی بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شد و در نهایت مقیاس زنانه ۰/۷۴، مقیاس مردانه، ۰/۷۷ و مقیاس آندروژنی (۰/۷۶) به‌دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری: این مقیاس را کونور و دیویدسو^۱ (۲۰۰۳) با مرور منابع پژوهشی (۱۹۹۱-۱۹۷۹) در حوزه تاب‌آوری تهیه کردند. تهیه‌کنندگان بر این عقیده هستند که این مقیاس به خوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیر تاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیربالینی بوده و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی استفاده شود.

این مقیاس ۲۵ گویه دارد که به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای بین صفر (کاملاً نادرست) و چهار (همیشه درست)، نمره‌گذاری می‌شود. بالاترین نمره ۱۰۰ و پایین‌ترین نمره صفر است. محمدی (۱۳۸۴) روایی این مقیاس را به دو شیوه همسانی درونی و تحلیل عاملی بررسی کرده است. همچنین میزان پایایی در پژوهش مذکور (۰/۸۹) بیان شده است. در این پژوهش نیز از طریق آلفای کرونباخ پایایی (۰/۸۴) به‌دست آمده است.

یافته‌ها

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر و پسر بر اساس نقش جنسیتی، با توجه به اینکه دو عامل جنس در دو سطح و نقش جنسیتی هم با دو سطح وجود داشت و در حقیقت علاوه بر اثر هر کدام از عوامل، اثر تعاملی آن‌ها بر متغیر وابسته یعنی میزان تاب‌آوری مد نظر بود، از روش آماری «تحلیل واریانس دو طرفه بین آزمودنی‌ها» استفاده شد. داده‌های جداول (۱ و ۲) در نتیجه اجرای این روش آماری به دست آمده است.

جدول ۱: توصیف آماری گروه‌های مختلف دانش‌آموزان از لحاظ تاب‌آوری

جنس	نقش جنسیتی	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد نمونه
دانش‌آموزان دختر	غیر آندروژن	۶۶/۹۶	۱۰/۴۵	۷۱
	آندروژن	۷۹/۵۹	۱۲/۱۶	۲۹
	کل	۷۰/۶۲	۱۲/۳۴	۱۰۰
دانش‌آموزان پسر	غیر آندروژن	۶۹/۲۸	۱۲/۲۲	۸۷
	آندروژن	۸۳/۰۷	۹/۶۹	۱۳
	کل	۷۱/۰۷	۱۲/۷۸	۱۰۰
کل	غیر آندروژن	۶۸/۲۳	۱۱/۴۸	۱۵۸
	آندروژن	۸۰/۶۷	۱۱/۵۲	۴۲
	کل	۷۰/۸۵	۱۲/۵۳	۲۰۰

جدول ۲: نتیجه تحلیل واریانس دو طرفه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
جنس	۲۴۶/۳۲۴	۱	۲۴۶/۳۲۴	۱/۸۷۰	۰/۱۷۳
نقش جنسیتی	۵۰۹۹/۲۵۷	۱	۵۰۹۹/۲۵۷	۳۸/۷۱۴	۰/۰۱
جنس و نقش جنسیتی	۱۰/۰۳۸	۱	۱۰/۰۳۸	۰/۰۷۶	۰/۷۸۳
خطا	۲۵۸۱۶/۲۱۰	۱۹۶	۱۳۱/۷۱۵		
کل	۱۰۳۵۰۶۷	۲۰۰			

طبق داده‌های جداول (۱ و ۲) نتایج آزمون $F(1/870)$ و $p < 0/173$ به دست آمده برای عامل اصلی جنس معنادار نبوده، بنابراین، فرضیه اول رد می‌شود مبنی بر اینکه میزان تاب‌آوری بر اساس جنس متفاوت است.

همچنین $F(38/714)$ و $p < 0/01$ به دست آمده برای عامل نقش جنسیتی معنادار است؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود مبنی بر اینکه میزان تاب‌آوری بر اساس نقش جنسیتی متفاوت است.

با توجه به داده‌های ارائه شده در جدول ۲، نتایج حاکی از آن است که $F(0/783)$ و $p < 0/783$ به دست آمده مربوط به تعامل جنس و نقش جنسیتی معنادار نیست. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود مبنی بر اینکه میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر و پسر بر اساس نقش جنسیتی متفاوت است. در نتیجه میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر و پسر با توجه به نقش جنسیتی آن‌ها متفاوت نیست. در ضمن، ضریب تعیین ($0/174$) نشان می‌دهد که تقریباً ۱۷٪ پراکندگی واریانس تاب‌آوری به وسیله متغیرهای جنس و نقش جنسیتی تبیین پذیر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش جنسیتی با داشتن مقوله‌های مختلف (آندروژنی، مردانگی، نیمه مردانگی، زنانگی و نیمه زنانگی) در محیط‌ها و بافت‌های مختلف جای تحقیق و تفحص بیش‌تری دارد. متغیرهایی که در این پژوهش بررسی شدند، متغیرهایی هستند که به شدت تحت تأثیر عناصر فرهنگی و اجتماعی بودند که ممکن است در هر جامعه‌ای نتایج منحصر به فردی در رابطه با این خصوصیت روان‌شناختی به دست آید (زرگر شیرازی، ۱۳۸۸). همچنان که براون و تایلکا (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافتند که تاب‌آوری و میزان آن می‌تواند به وسیله «جامعه‌پذیری نژادی»^۱ تقویت شود که بخش اعظم آن در خانواده شکل می‌گیرد. جامعه‌پذیری نژادی می‌تواند برای شکل‌گیری «هویت قوی» نیز مؤثر باشد. امروزه نقش فرهنگ و تأثیر آن در ویژگی‌های روان‌شناسی، در قالب «روان‌شناسی فرهنگی»^۲ مطالعه می‌شود؛ در واقع

-
1. racial socialization
 2. cultural psychology

روانشناسی فرهنگی بر این باور است که محتوای یک فرهنگ، تأثیر پایدار بر رفتار، احساسات و اندیشه‌ها می‌گذارد و فرهنگ را متغیری می‌داند که همه کسانی که به آن فرهنگ تعلق دارند، آن را یکسان تجربه نمی‌کنند. در عین حال با وجود تفاوت‌های فرهنگی در ویژگی‌های شخصی، برخی ویژگی‌های عمومی و مشترک فرهنگی به دلیل ساختارهای ادراکی، شناختی و عاطفی مشترک انسانی وجود دارد. به عبارت دیگر هویت جنسیتی، مانند همه هویت‌ها، صورت تجسم یافته فعالیت‌های فرهنگی به شمار می‌آید (خمسه، ۱۳۸۶). بنابراین، به عنوان یک محدودیت باید ذکر کرد که به صورت کلی در تحلیل نتایج پژوهشی که نقش جنسیتی را بررسی کرده‌اند باید تأمل شود و محافظه‌کارانه عمل کرد.

نتایج بررسی فرضیه اول نشان داد که میان پسران و دختران از لحاظ تاب‌آوری تفاوتی وجود ندارد، به عبارت دیگر با توجه به داده‌های این پژوهش، جنسیت و تاب‌آوری رابطه‌ای با هم ندارند. پژوهش‌های همسو در این زمینه شامل فریدین، (۲۰۰۵)؛ ماریلین، (۲۰۰۸)؛ لفروم بیز، (۲۰۰۶)؛ نورلاندر و همکاران، (۲۰۰۰)؛ کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱)؛ هنلی^۱، (۲۰۱۰) و هارتمن^۲ و همکاران (۲۰۰۹) هستند. برای نمونه هنلی (۲۰۱۰) بین سطح تاب‌آوری دختران و پسران تفاوت معناداری پیدا نکرد؛ اما عنوان کرد که دختران و پسران از راهبردهای متفاوتی برای تاب‌آوری خود استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه گروه نمونه متشکل از دانش‌آموزان دبیرستانی بود، به نظر می‌رسد افزایش سن و تجربیات فرد، با سطح تاب‌آوری افراد رابطه مثبت و مستقیمی داشته باشد که این امر موجب کاهش تفاوت‌های جنسی بین دو گروه دختران و پسران شده است.

بررسی فرضیه دوم نشان داد که فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان تاب‌آوری بر اساس نقش جنسیتی تأیید می‌شود. نتایج به دست آمده در این پژوهش با تحقیقات دیگری مانند اس. کلس ایلس، (۲۰۰۸)؛ آلدورا، (۲۰۰۸)؛ ماریلین، (۲۰۰۸)؛ ابولقاسمی و کیامرثی، (۱۳۸۵)؛ رحیمیان بوگر و اصغر نژاد فرید، (۱۳۸۷) همسویی دارد. در واقع آندروژن بودن، بدون توجه به جنسیت بر تاب‌آوری مؤثر است و دختران و پسران آندروژنی، تاب‌آوری بیش‌تر دارند و از انعطاف‌پذیری و سازگاری بیش‌تری بهره‌مند هستند. در واقع می‌توان بیان

1. Henley
2. Hartman

کرد که آندروژنی و تاب‌آوری دو تا خصوصیت مثبت هستند که می‌توانند همدیگر را پیش‌بینی کنند یعنی با احتمال زیاد می‌توان گفت افراد آندروژنی نسبت به سایر گروه‌ها (مردانگی، زنانگی) از سازگاری و سلامت روان و تاب‌آوری بیشتری بهره‌مند هستند و با موفقیت بیشتری می‌توانند موانع خطرا را از سر راه خود بردارند؛ کارکرد و عملکرد بهتری داشته باشند و از سلامت عمومی بیشتری بهره‌مند باشند. در واقع صرف‌نظر از این که فرد دختر باشد یا پسر، یعنی بدون توجه به جنس، فقط با داشتن خصوصیتی چون آندروژنی می‌تواند در شرایط سخت و دشوار مقاومت نشان دهد و در نهایت سلامت روان مثبتی را داشته باشد. همچنین افراد آندروژنی نسبت به توانایی‌های خود اعتماد بیشتری دارند و قدرت قضاوت سالم‌تری دارند (آلدورا، ۲۰۰۸). با توجه به ویژگی‌های افراد تاب‌آور که شامل امید و میل بر غلبه کردن بر مشکلات، کسب حمایت اجتماعی، معنی‌یابی و هدف‌گزینی و راهبرهای مشکل‌گشایی، اجتناب از پاسخ هیجانی به محرک‌ها، شایستگی محیط سازمان یافته، توانایی هوشی و کلامی (محمدی، ۱۳۸۴) است، می‌توان بیان کرد که نوعی همپوشانی بین ویژگی‌های افراد آندروژن و تاب‌آور وجود دارد که رابطه این دو متغیر را توجیه می‌کند. زیرا یک شخص آندروژن، از محدودیت استانداردهای مناسب جنسیتی رها است و به طور نظری قادر است که اولاً از لحاظ روانی خوب رشد کند، دوماً به طور سازگارانه به طیف وسیعی از موقعیت‌ها پاسخ مناسب دهد و سرانجام بر فشارهای ناشی از نقش‌های سنتی جنسیتی غلبه کند. قبول سریع این مفهوم و سبک رفتاری وابسته به آن، اهمیت فراوانی دارد (کوک، ۱۹۸۵). برای مثال هر فردی چه زن و چه مرد، در رفتار خود می‌تواند نسبت به کودکان مهربان و با محبت باشد، و در عین حال در میدان ورزشی رقیبی سرسخت برای حریف مقابل خود، یا از نظر شغلی فردی موفق یا آسپز خوبی باشد. بسیاری از مردم عملاً دو جنسیتی هستند، به این معنا که هم خصلت‌های روانی مردانه و هم صفات روانی زنانه را دارند. با این همه، تشخیص این نکته حائز اهمیت است که ویژگی‌های مربوط به جنس همچون بیانگری، مهرورزی، کارایی یا پرخاشگری نه تنها در مردان و زنان متفاوت است، بلکه افراد نیز در موقعیت‌ها، وضعیت‌ها و تکالیف مختلف این ویژگی‌ها را به میزان متفاوتی از خود بروز می‌دهند (اسپنس^۱، ۱۹۸۵، به نقل از عباس‌زاده،

(۱۳۸۵). همچنان که بم اظهار کرده است «افراد آندروژنی می‌توانند به خواسته‌ها و تمایلاتشان تحت شرایط جدید جامعه عمل ببوشانند، ولی در مقابل این گروه افرادی که فقط مردانه یا زنانه هستند از این نظر محدودیت دارند و فقط می‌توانند با توجه به الگوی نقش جنسیتی خود واکنش نشان دهند. بم همچنین اظهار داشت که افراد آندروژنی به مزایایی بالاتر از نقش جنسی خود دست می‌یابند و این افراد به طور بالقوه در انجام دادن فعالیت‌ها و تکالیف آرامش و شایستگی بیش‌تری از خود نشان می‌دهند و علاوه بر این از نظر رفتاری انعطاف‌پذیرتر و از نظر روانی سالم‌تر هستند» (بم به نقل از ستمیر، ۲۰۰۷، ص ۹).

نتایج جدول ۲ نشان داد که نقش جنسیتی در تعامل با جنس بر تاب‌آوری تأثیر ندارد و تفاوتی در میزان تاب‌آوری ایجاد نمی‌کند. این نتیجه با توجه به تأثیر اندک جنس در تاب‌آوری می‌تواند توجیه شود. در واقع آندروژن بودن افراد بدون توجه به جنس آن‌ها پیش‌بینی‌کننده میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان است. البته شایان ذکر است که امروزه تنها روی عوامل فردی یا اجتماعی به تنهایی یا داشتن خصوصیتی ویژه، برای رسیدن به کامیابی تأکید نمی‌کنند و عوامل درونی و بیرونی را در ارتباط متقابل با هم در نظر می‌گیرند. یعنی با داشتن خصوصیت‌های شخصیتی مثل آندروژن و داشتن عوامل حمایتی در سطح فردی و اجتماعی و فرهنگی و باور داشتن به خود برای دست یافتن به موفقیت و فائق آمدن بر چالش‌ها و سختی‌ها، می‌توان انتظار فردی سالم در کنار خانواده‌ای سالم در جامعه‌ای سالم را داشت.

این امر نشان دهنده قالب‌های سنتی جنسیتی است که خارج شدن از آن‌ها مساوی است با شکستن هنجارهای پذیرفته شده از طرف چندین نسل، که ریشه‌های فرهنگی درونی شده را می‌توان در این میان به وضوح دید. در واقع تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی می‌تواند علت احتمالی نتایج متفاوت باشد، چون هر کدام از این پژوهش‌ها در بافتی خاص و فرهنگی متفاوت انجام شده است. بنابراین، دستیابی به نتایج غیرمشابه دور از انتظار نیست. در برخی از جوامع فرهنگ سنتی هنوز پا برجاست و افراد آن خاسته و ناخواسته از آن تبعیت می‌کنند، اما در برخی دیگر تحول و تغییر در جریان است و به سوی شکستن قالب‌های جنسیتی در حرکت هستند (اگان و پرری، ۲۰۰۱، به نقل از ستمیر، ۲۰۰۷).

شایان ذکر است علاوه بر محدودیت ذکر شده در بالا مبنی بر محافظه‌کاری در تعمیم نتایج این پژوهش به علت تأثیر عوامل فرهنگی، محدودیت‌های دیگری نیز وجود داشته است از

جمله اینکه اندازه نمونه در این پژوهش ۲۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر بود، که از این میان تعداد دختران و پسران آندروژنی در هر دو گروه به نسبت زنانگی و مردانگی کم‌تر بودند (۱۵۸ در مقابل ۴۲) و همین امر ممکن است بر معناداری یافته‌ها تأثیر بگذارد. همچنین با توجه به اینکه پژوهش در شهر سقز انجام شده است، ممکن است نتایج با توجه به بافت فرهنگی آن شهر متأثر شده باشد که لازم است در تعمیم یافته‌ها و تفسیر آن‌ها ملاحظه‌های لازم انجام شود. پیشنهادهای زیر برای اجرای پژوهش‌های کامل‌تر ارائه می‌شود:

اجرای پژوهش‌های گسترده در زمینه تأثیر گرایش و سوگیری جنسی بر تاب‌آوری و نیز انجام‌دادن تحقیقاتی مشابه در میان دانش‌آموزان مناطق مختلف در داخل ایران و مقایسه تفاوت‌هایشان با توجه به مباحث مطرح شده در روان‌شناسی فرهنگی می‌تواند دیدگاهی جامع راجع به مسائل مطرح شده فراهم آورد.

در راستای نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر را ارائه کرد:

۱- آگاهی بخشی به خانواده‌ها در جهت آشنایی با نقش‌های جنسیتی و مزایای آندروژنی در ابعاد مختلف زندگی از جمله تاب‌آوری. این امر موجب می‌شود در برخورد با فرزندان‌شان از قالب‌های سنتی جنسیتی خارج شده و تربیت انعطاف‌پذیری را نسبت به دختران و پسران خود اعمال کنند و به این ترتیب به سازگاری بیش‌تر و سلامت روانشان کمک کنند. ۲- کمک به مشاوران و عوامل مدرسه و سیستم‌های تربیتی برای مراجعه به داده‌های گردآوری شده در این تحقیق و تحقیقات مشابه؛ تا بدین وسیله بتوانند به تقویت مؤلفه‌هایی مانند سازگاری، تاب‌آوری، انعطاف‌پذیری همت گمارند که در سلامت روان نقش بازی می‌کنند. ۳- توجه به عوامل مثبت و قابل پرورش در درون افراد از جمله تاب‌آوری و جلوگیری از عوامل منفی مثل تفکر قالبی در زمینه جنسیت در دو سطح بالینی و تجربی توسط ارگان‌های مختلف تربیتی و آموزشی.

منابع

- ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۰). ارتباط تاب‌آوری، استرس و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین. *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۱۵۱-۱۳۱.
- ابولقاسمی، عباس، کیامرثی، آذر (۱۳۸۵). بررسی رابطه آندروژنی و سلامت روان با سازگاری زناشویی در زنان، گروه روان‌شناسی دانشگاه اردبیل.
- اتکینسون، ریتال ال، اتکینسون، ریچارد سی، اسمیت، ادوارد ای، بم، سوزان نولن. (۱۳۷۹). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه براهنی، محمد نقی، بیرشک، بهروز، بیک، مهرداد، زمانی، شهرآرای، مهرناز، کریمی، یوسف، و محی‌الدین، مهدی. ویرایش دوم، جلد اول، تهران: رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). *روان‌شناسی تربیتی (روان‌شناسی آموزش و یادگیری)*. تهران: ویرایش.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا (۱۳۸۱)، *مقایسه نقش جنسیتی آندروژن، با نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه و بررسی رابطه آن‌ها با منبع کنترل درونی و بیرونی و حرمت نفس در دانشجویان دختر و پسر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خمسه، اکرم (۱۳۸۶). *بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران*. *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۹.
- رحیمیان بوگر، اسحق و اصغر نژاد فرید، علی اصغر (۱۳۸۷). *رابطه سرسختی روان‌شناختی و خود تاب‌آوری با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان بازمانده زلزله شهرستان بم*، *فصلنامه روان پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهارم، شماره ۱، ۶۲-۷۰.
- زرگر شیرازی، فریبا (۱۳۸۸). *مروری بر دیدگاه‌های مربوط به هویت جنسیتی زنان*، *مجله زن و فرهنگ*، ۱(۲): صص ۳۳-۴۷.
- شولتز، دوان، سیدنی آلن شولتز (۱۳۸۷) *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه سید محمدی، یحیی نشر ویرایش.

عباس زاده، یوسف (۱۳۸۵) رابطه نقش جنسیتی دوگانه (آندروژنی روانی) با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

عیسی زادگان، علی، امانی ساری بگلو، جواد و عبدلی سلطان احمدی، جواد (۱۳۹۲). نقش تصورات قالبی جنسیتی (مردانگی - زنانگی) در پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی و کمال‌گرایی در میان دانش‌آموزان دبیرستان شهرستان مهاباد. *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۹، شماره ۴، صص ۱۴۸-۱۲۹.

کرین، ویلیام سی. (۱۳۷۹). *پیشگامان روان‌شناسی رشد*، ترجمه فدایی، فرید، تهران: اطلاعات. کیانی دهکردی، منصوره (۱۳۸۳)، بررسی عوامل عینی و مداخله‌پذیر تاب‌آوری در برابر وابستگی به مواد در پسران مردانه وابسته به مواد و غیر وابسته به مواد، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.

کشاورزی، سمیه و یوسفی، فریده (۱۳۹۱). رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری *مجله روانشناسی دانشگاه شیراز*، شماره ۶۳ سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۳۱۸-۲۹۹. کشتکاران، طاهره (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز، *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، شماره ۳۹، صص ۸۸-۶۹. گولومبوک، سوزان دفی وش، رابین. (۱۳۸۴). *رشد جنسیت*، ترجمه شهرآرایی، مهرناز، تهران: ققنوس.

محمدی، مسعود (۱۳۸۴). *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.

نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی (۱۳۷۱). روش‌های پژوهش و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی، چاپ چهارم، تهران: بدر.

هاشمی، زهرا و جوکار، بهرام (۱۳۹۲). مدل‌یابی علی تاب‌آوری هیجانی: نقش دلبستگی به والدین و همسالان، راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم‌شناختی هیجانات، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۹ شماره ۱، صص ۳۷-۹.

- Aldora, G. , L. (2008). Psychological Androgyny and social desirability. *Journal of Personality Assessment*, Vol 46(2) , Apr, 147-152
- Bell, C. C. (2001). Cultivating resiliency in youth. *Journal of adolescent health*, 375-381.
- Bem, S. L. (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of consulting and clinical psychology*, 42, 155-162.
- Bottrell, D. (2008). Dealing with disadvantage: community, place and resilience in girls, identity work. *In Australian Social Policy Conference*. UNSW, 11-13 July.
- Brown, D. , & Tylka, T. (2011). Racial discrimination and resilience in African American young adults: Examining racial socialization as a moderator. *Journal of Black Psychology*, 37, 259-285.
- Chad, K. (2007). Creative styles and gender roles in under graduate studying. VPSA Assessment Report 2006 -2007 Iowa State University. Retrieved in: <http://www.genderbias.net>.
- Cook, E. P. (2000). A framework for sex Role counseling. *Journal of counseling and development*, 64, 464-494.
- Cunningham, M. , & Swanson, D. P. (2010). Educational resilience in African American adolescents. *Journal of Negro Education*, 79, 473-487.
- Fleming, J. , & Ledogar, R. (2008). Resilience, an evolving concept: A review of literature relevant to aboriginal research. *A Journal of Aboriginal and Indigenous community Health*, 1-18.
- Friedin, A. , SY. D (2005). The relationship between Psychologists years of clinical work experience and androgyny. The Chicago School of Professional Psychology.
- Gillespie. B. , Chaboyer. W. , Wallis. M. & Grimbeek. P. (2007). Resilience in the operating room: developing and testing of a resilience model. *Journal of advanced nursing*, 59(4) :427-38.
- Hartman, J. L, Turner, M. G, Daigle, L. E, Exum, M. L. & Cullen, F. T. (2009). Exploring the gender differences in protective factors: Implications for understanding resiliency. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 53 (3), 249.
- Henley, R. (2010). Resilience enhancing psychosocial programs for youth in different cultural contexts: Evaluation and research. *Progress in Development Studies*, 10 (4), 295–307.
- Jones, G. , Lafreniere, K (2014). Exploring the Role of School Engagement in Predicting Resilience among Bahamian Youth, *Journal of Black Psychology*, Vol 40(1) 47–68.
- Kimhi. S. (2014). Levels of resilience: Associations among individual, community, and national resilience, *Journal of Health Psychology*, 1–7, retrieved at : <http://hpq.sagepub.com/content/early/2014/03/03/1359105314524009>
- Lafromboise, T. D. , Hoyt, D. R. & Whitbeck, L. B. (2006). Family, community, and school influences on resilience among American Indians in the upper Midwest. *Journal of community psychology*, 193-209.
- Marilyn, P. (2008). Psychological androgyny and sexual adequacy. *Journal of Sex & Marital Therapy* ,8:3, 228-240

- Norlander, T. , Erixon, A. & Archer, T. (2000). Psychology and creativity: Dynamics of gender – role and personality trait. Social behavior, Health publication.
- olsson, A. , Burns, M. , rella, A. , Bordvick, M. & Sawyer, S. (2003). Adolescent resilience: concept analysis. *Journal of Adolescence*, 1-11.
- S. clauss – Ehlers, C. , Ya – Ting, J. & Chen, W. C. (2008). Resilience from childhood stressors: the Role of cultural Resilience, Ethnic Identity, and gender Identity. *Journal of Infant, Child, and Adolescence Psychotherapy*, 136-138.
- Setmire, E. L. (2007). Women and self efficacy: A comparison of lesbian, sexual, androgynous, and feminine typed women.. Thesis (M. A.) -Psychology: Counseling, Humboldt State University, reteriveed in <http://humboldt-dspace.calstate.edu>.
- Sigelman, C. k. & Rider,E,A (2009). *Life – span human development (3rd ed)*, California, wadsworth. cengage learning.
- Williams, G. (2008). Associations Between student pursuit of vowel mathematical Ideas and resilience. Innovation, Networking, Opportunity : Proceedings of the 26th Annual Conference of the Mathematics Education Research Group of Australasia, held at Deakin University, Geelong, 6th-10th July 2003, Deakin University, Geelong, Vic. , pp. 752-759.